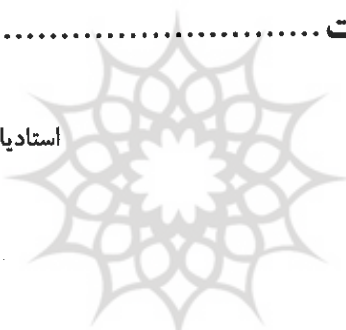


## ..... ساده‌زیستی روحانیت

نعمت الله یوسفیان

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی



### چکیده

ساده‌زیستی از بارزترین ویژگی‌های رهبران الهی است. آنان همواره با سادگی خویش قلبها و چشمها را پر می‌کردند و انسانها را شیفته و دلدادۀ خود می‌ساختند. راز و رمز موفقیت و رشد و بالندگی و روحانیت در نظام جمهوری اسلامی و در عرصه تبلیغ و ترویج دین و ارزشهای دینی؛ همانا پاسداری از اصل سادگی در زندگی است.

ساده‌زیستی به چه معناست؟ گستره آن چیست و چه مواردی را شامل می‌شود؟ ساده‌زیستن چه ارزش و اهمیتی دارد؟ چگونه می‌توان اصل سادگی را در زندگی پاس داشت؟ وظیفه روحانیت در پاسداری از این اصل چیست؟ و عدول از ساده‌زیستی چه پیامدهایی دارد؟

مقاله‌ای که در پیش رو دارید متکفل پاسخگویی به این قبیل پرسشهاست. واژه‌های کلیدی: روحانیت، ساده‌زیستی، سادگی در زندگی.

## مقدمه

خداوند سبحان پیامبران خود را از میان خود مردم برای هدایت آنان فرستاد و آنان با عزمی استوار پیام خدا را به مردم ابلاغ می‌کردند و راه بهزیستی را در گفتار و عمل به مردم می‌آموختند.

شغل انبیا، شریف‌ترین شغلهاست. قرآن کریم انبیای الهی را در ابلاغ رسالت خویش فراوان ستوده و از آنان به بزرگی یاد کرده است. پس از پیامبران، امامان معصوم (ع) تداوم‌بخش راه انبیا هستند و از بالاترین جایگاه و مقام الهی برخوردارند. از آن پس تنها قشری که افتخار پاسداری از میراث انبیا و امامان ما را دارد قشر عظیم روحانیت است. با این توصیف تیره و تبار روحانیت به پیامبران و امامان معصوم (ع) می‌رسد و جایگاه آنان در تبلیغ دین و پاسداری از ارزشها همان جایگاه و شغل آنان نیز همان شغل پیامبران و امامان (ع) است.

مردم نیز همواره روحانیت اصیل را به این نام و نشان شناخته‌اند. آنها روحانیت را مظهر و نشانه اسلام می‌شمارند و روحانی در نگاه آنها نماینده پیغمبر اکرم (ص) و امام زمان (ع) است. از این رو، انتظار دارند اخلاق، رفتار و اعمال ناب اسلام را در روحانی و تمام حرکات و سکنات او مشاهده کنند. سادگی، بی‌پیرایگی، لطف و صفای اسلامی را در او تجربه نمایند و او را به عنوان سمبل زهد و قناعت و ساده‌زیستی اسوه قرار دهند و از او سرمشق بگیرند.

## مفهوم ساده‌زیستی

از ساده‌زیستن چند معنا می‌توان اراده کرد، از آن جمله است: راحت و آسان زندگی کردن، بدون تجملات و زینت و بدون زرق و برق زندگی کردن، خفیف‌المثونه و کم‌خرج بودن، بی‌آلایشی و صداقت، بدون تکلف بودن، اعراض از دنیا و انقطاع از دلبستگی به آن، قناعت کردن و اکتفا به حد کفاف کردن در زندگی.

به کسی که امور زندگی را سهل و آسان می‌گیرد و راحت زندگی می‌کند، کم‌خرج است، خوراک، پوشاک، مسکن و مرکب ساده دارد و از تجمل‌پرستی و زرق و برق‌طلبی دوری

می‌کند، صاف و ساده و بی‌پیرایه است و خویشتن را به تکلف و مشقت دچار نمی‌سازد، می‌گویند ساده زندگی می‌کند و زندگی را بر اصل سادگی استوار کرده است.

### گستره ساده‌زیستی

با توجه به مفهوم یاد شده گستره ساده‌زیستی را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد و بر رسید:

#### ۱. آسان زیستن

یک جنبه ساده‌زیستی، راحت و آسان زندگی کردن است. کسانی که زندگی را سهل و آسان می‌گیرند، خویشتن را اسیر تشریفات زاید نمی‌کنند و به سختی نمی‌اندازند، از یک زندگی ساده و بی‌پیرایه برخوردارند. اینان به آنچه خدایشان داده، قانع و راضی‌اند، حرص نمی‌ورزند، چشم طمع به مال دیگران نمی‌دوزند، از مواهب زندگی به حد کفاف و اندازه بهره می‌گیرند و زندگی را با راحتی و آرامش خاطر و با اتکال به خداوند سبحان سپری می‌کنند و از حد معمول و متعارف نمی‌گذرند.

پیغمبر اکرم (ص) در زندگی به اصل سادگی پای‌بند بود و بر اساس شریعت سهله و سمح‌های که از جانب خداوند تلقی کرده بود، هم خود راحت و آسان زندگی می‌کرد و هم دیگران را به آسانی و روش آسان زیستن دعوت می‌کرد.

پیامبر (ص) به بعضی از یاران خود که اسلام را بد فهمیده بودند و زندگی خود را بر خود و خانواده‌شان سخت گرفته بودند نهیب زد و فرمود:

لَمْ يُرْسَلَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ (۱)

خداوند مرا برای رهبانیت نفرستاده است، بلکه مرا بر شریعتی فطری و آسان و با گذشت فرستاده است.

آن حضرت به مبلغان دینی نیز توصیه می‌فرمود که دین ساده و آسان را برای مردم تبلیغ کنند و دین و آموزه‌های دینی را برای آنان سخت و دشوار نسازند. پیامبر (ص) وقتی معاذ بن جبل را برای تبلیغ، هدایت و رهبری به یمن می‌فرستاد، سفارش کرد:

يَسْرٌ وَلَا تَعْثُرْ، يَسْرٌ وَلَا تَعْثُرْ. (۲)

[بر مردم] آسان بگیر و سخت نگیر، بشارت بده [و مزایای اسلام را برای مردم بگو] و تنفر ایجاد مکن.

## ۲. کم هزینه بودن

ساده‌زیستی افزون بر آسان‌گیری، با خفیف المؤمنه و کم خرج بودن در زندگی تحقق می‌یابد. افراد ساده‌زیست به جهت برخورداری از روحیه سادگی و بی‌پیرایگی در خرج کردن حد و اندازه نگه می‌دارند. زندگی آنان از اسرافکاری، پیرایه‌های عافیت‌طلبی و کاخ‌نشینی عاری است. سیره‌نویسان درباره رسول خدا (ص) نوشته‌اند:

كَانَ [رسول الله ﷺ] خَفِيفَ الْمُؤْنَةِ. (۳)

پیامبر (ص) [در زندگی] کم خرج بود.

امام صادق (ع) در توصیف پارسایان می‌فرماید:

إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَخَفُّ أَهْلِ الدُّنْيَا مُؤْنَةً وَأَكْثَرُهُمْ مَعُونَةً. (۴)

به درستی که اهل تقوا کم‌خرج‌ترین مردم دنیا و پرکارترین آنان هستند.

## ۳. بدون تجملات و زرق و برق بودن

روحیه تجمل‌گرایی و اسیر زرق و برق دنیا شدن و غلتیدن در دنیاطلبی با ساده‌زیستی سازگار نیست. انسان وقتی می‌تواند اصل سادگی را پاس بدارد که زندگی‌اش همسطح افراد معمولی و به دور از تجملات و اترافها و تشریفات ظاهری باشد. ساده‌زیستان، زندگی اشرافی ندارند و با لوازم لوکس و تشریفاتی و امور غیر ضروری زندگی خداحافظی کرده‌اند. در زندگی آنان اشیای غیر ضروری و یا تشریفاتی و لوکس، اثاثیه گران‌بها و گرانش به شکوه و جلال ظاهری مشاهده نمی‌شود.

امام علی (ع) زندگی شرافتمندانه آنان را این‌گونه ستوده است:

طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ؛ أَوْلَيْكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا، وَ ثَرَاهِمَا فِرَاشًا، وَ مَاءَهَا طَبِيبًا، وَ الْقُرْآنَ شِعَارًا، وَ الدُّعَاءَ دِنَارًا، ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَى سِنِّهَاجِ الْمَسِيحِ. (۵)

خوشبایه حال آنها که نسبت به دنیا زهد ورزیده و به آخرت‌گرانش دارند؛ همانها که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، قرآن را آستر و دعا را رویه لباس

شخصیت خویش ساختند و چونان مسیح، رشته وابستگیها را بریدند.

#### ۴. بی تکلف بودن

جنبه دیگر ساده‌زیستی بی تکلف بودن در رفتار، گفتار و کردار است. بی آلاشی، صداقت، بی‌ریایی و سلامت نفس، تکبر نورزیدن، چیزی را به صورت تصنعی بر خود نسبتن، انتظار تعظیم و تکریم نداشتن از دیگران و لذت نبردن از تکریمهای تصنعی، آسان ارتباط برقرار کردن با مردم و پرهیز از مناسبات ریاکارانه همه و همه از ساده‌زیستی حکایت می‌کنند.

قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ. (ص: ۸۶)

بگو: من از شما هیچ پاداشی نمی‌طلبم و من از متکلفان نیستم.

آن حضرت می‌فرماید:

نَحْنُ مُعَايِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَمْنَاءِ وَالْأَنْبِيَاءِ بُرَأءٍ مِنَ التَّكْلِيفِ. (۶)

ما گروه پیامبران و امنای پروردگار و پارسایان از تکلف به دور هستیم.

همان حضرت می‌فرماید:

إِنِّي لَا أُجِبُ الْمُتَكَلِّفِينَ. (۷)

همانا من متکلفان را دوست ندارم.

معصومین (ع) از رفتار، گفتار و کردار تکلف‌آمیز، متکبرانه و تصنعی بی‌زار بودند و اجازه رفتار و معاشرت از روی تکلف را به دیگران نمی‌دادند. این است سخن حضرت امیر (ع) که فرمود: «آن گونه که باز مامداران ستمگر سخن می‌گویند با من سخن نگویند و آنچنان که در برابر حکام خشمگینی و جبار خود را جمع و جور می‌کنید، در حضور من نباشید و به طور تصنعی (و منافقانه) با من رفتار نکنید.» (۸)

روزی عده‌ای از دهقانان شهر انبار، هنگام رفتن امام به شام او را دیدند، برای وی پیاده شدند و پیشاپیش دویدند. حضرت بر آنان خرده گرفت و فرمود: این چه کار بود که کردید؟ گفتند: عادت است که داریم و بدان امیران خود را بزرگ می‌نماییم. فرمود: به خدا که امیران شما از این کار سودی نبردند و شما در دنیایان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان

بدبخت می‌شوید و چه زیانبار است رنجی که کیفر در پی آن است و چه سودمند است آسایشی که با آن از آتش امان است.<sup>(۹)</sup>

## ۵. اعراض از دنیا

ساده‌زیستی با چسبیدن به دنیا و چنگ و پازدن برای برخورداری هر چه بیشتر از امکانات و لذتهای زندگی سازگار نیست. اعراض از دنیا شاخصه بارز افراد ساده‌زیست است. دنیا بی‌ارزش‌تر از آن است که بتواند از آنان دل ببرد. آنها از هر چه رنگ و بوی دنیایی دارد دوری می‌کنند. امام علی(ع) در وصف رسول خدا(ص) می‌فرماید:

پرده‌ای نقش و نگاردار بر در اتاقش دید، همسرش را صدا زد و گفت: آن را از نظرم پنهان کن! که چون چشمم به آن می‌افتد، به یاد دنیا و زرق و برقش می‌افتم. او با تمام قلب خویش از [زرق و برق] دنیا اعراض کرد و یاد آن را در وجودش میراند. وی سخت علاقه‌مند بود که زینتها و زیورهای دنیا از چشمش پنهان شود، تا از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه همیشگی نداند؛ و امید اقامت دائم در آن نداشته باشد. از این رو، آن را از روحش بیرون راند، از قلبش دور ساخت و از چشمش پنهانی داشت. [آری] چنین است کسی که چیزی را منفور می‌دارد، نگاه کردن و یادآوری آن را نیز منفور می‌شمرد.<sup>(۱۰)</sup>

## ۶. قناعت و کفاف

بسندگی کردن به مقدار ضرورت، خشنود بودن به قسمتی که خدا روزی کرده، به اموال و داراییهای دیگران چشم ندوختن و قناعت‌ورزی از جنبه‌های دیگر ساده‌زیستی است. افراد ساده‌زیست در زندگی به حد ضرورت و کفاف بسندگی می‌کنند و حتی در صورت فقر و تهیدستی دست به سوی مردم دراز نمی‌کنند و از آنان چیزی نمی‌خواهند. در حدیثی آمده است که خداوند برای پیامبر خود هدایا و ارمغانهایی به وسیله جبرئیل فرستاد یکی از آن هدیه‌ها قناعت بود. حضرت می‌فرماید: از جبرئیل پرسیدم:

فَمَا تَسِيرُ الْقَنَاعَةِ؟ قَالَ: يَنْتَعِ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَنْتَعِ بِالْقَلِيلِ وَ يَشْكُرُ الْكَثِيرَ.<sup>(۱۱)</sup>

قناعت چیست؟ جبرئیل عرض کرد: قناعت آن است که انسان به آنچه از دنیا به وی می‌رسد اکتفا نماید، به اندک قانع باشد و به آن شکرگزاری نماید.

امام علی (ع) پارسایان را به برخورداری از زندگی ساده و نفسی قانع ستوده، می‌فرماید:  
 تَرَاهُ قَرِيباً اَمَلَهُ، قَلِيلاً زَلَلَهُ، خَاشِعاً قَلْبُهُ، قَانِعَةً نَفْسُهُ، مَنزُوراً اَكَلَهُ، سَهْلاً اَمْرُهُ، حَرِيْزاً دِيْنَهُ،  
 مَيِّتَةً شَهْوَتُهُ، مَكْظُوماً غَيْظُهُ. (۱۲)

در اهل تقوا این ویژگیها را می‌توان دید: آرزویش نزدیک، لغزشش اندک، قلبش خاشع، نفسش قانع، خوراکش ناچیز، زندگی‌اش آسان و بسی تکلف، دینش آسیب‌ناپذیر، شهوتش مرده و خشمش فرو خورده است.

شهید مطهری دربارهٔ عالم وارسته، میرزا عسکری شهیدی مشهدی، معروف به آقابزرگ حکیم می‌نویسد: مرحوم آقا بزرگ... با اینکه در نهایت فقر می‌زیست، از کسی چیزی نمی‌گرفت. یکی از علمای مرکز که با او سابقهٔ دوستی داشته است پس از اطلاع از فقر او، در تهران با مقامات بالا تماس می‌گیرد و ابلاغ مقرری قابل توجهی برای او صادر می‌شود. آن ابلاغ همراه نامهٔ آن عالم مرکزی به آقابزرگ داده می‌شود. مرحوم آقابزرگ پس از اطلاع از محتوا، ضمن ناراحتی فراوان از این عمل دوست تهرانی‌اش، در پشت پاکت می‌نویسد: «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم...» (۱۳) و پاکت را با محتوایش پس می‌فرستد. (۱۴)

با توجه به موارد یاد شده، می‌توان گفت ساده‌زیستی، عنوانی است که همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد و منظور از ساده‌زیستن این است که آدمی در همهٔ شئون زندگی اعم از اخلاق و رفتار، گفتار و کردار و تمام جهت‌گیریها و حرکات و سکانات خود ساده و بی‌پیرایه باشد.

### اهمیت ساده‌زیستی

ساده‌زیستی، قناعت و کم‌هزینه بودن از منظر اسلام ارزشی است گرانسنگ و از چند جهت حایز اهمیت است.

نخست اینکه، انبیا و اولیا و خوبان همه ساده‌زیست بودند و از روی اراده و اختیار زندگی خود را بر اصل سادگی بنا می‌کردند. اگر دین‌داری و برخورداری از لذایذ و شهوات و امکانات دنیا ارزشمند بود، خداوند باید پیامبرانش را برخورداری می‌ساخت و آنان را از میان

دین داران بر می‌گزید و با مال و ثروت و جلال و شکوه مادی توجه همگان را به سوی آنها جلب می‌کرد، در حالی که خدا این گونه نخواسته است.  
امام علی (ع) می‌فرماید:

وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ سُيْحَانَهُ لِأَنْبِيَائِهِ حَيْثُ بَعَثَهُمْ أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كَنْزَ الدُّهُبِانِ وَ مَعَادِنَ الْعِيقَانِ، وَ مَغَارِسَ الْجِنَانِ، وَ أَنْ يَحْشُرَ مَعَهُمْ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ وَحُوشَ الْأَرْضِينَ لَفَعَلَ، وَ لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبِلَاءُ... وَلَكِنَّ اللَّهَ سُيْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِهِمْ، وَضَعَفَةً فِيهَا تَرَى الْأَعْيُنُ مِنْ حَالَتِهِمْ، مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّ الْقُلُوبَ وَالْعْيُونَ غِيًّا... (۱۵)

اگر خداوند می‌خواست به هنگام مبعوث ساختن پیامبرانش، درهای گنجها و معادن طلا و باغهای خرم و سرسبز را به روی آنان بگشاید، می‌گشود و اگر می‌خواست پرندگان آسمان و حیوانات وحشی زمین را همراه آنان گسیل دارد، می‌داشت، اگر این کار را می‌کرد امتحان از میان می‌رفت... اما خداوند پیامبران خویش را از نظر عزم و اراده، قوی و از نظر ظاهر فقیر و ضعیف قرار داد، ولی توأم با قناعتی که قلبها و چشمها را از بی‌نیازی پر می‌کرد.

دوم اینکه در سیره معصومین (ع) از ساده‌زیستی به عنوان یک ارزش والا یاد شده و پارسایان و نیکان را به آن ستوده‌اند. برای مثال حضرت امیر (ع) وقتی به عیادت صعصعة بن صوحان می‌رود از او این گونه تمجید می‌کند:

إِنَّكَ مَا عَمِلْتَ حَسَنَ الْمَعْوَنَةِ، خَفِيفَ الْمَوْزَنَةِ. (۱۶)

همانا تو تا آنجا که دانسته‌ام یاوری نیکو و کم‌هزینه‌ای.

زیدن بن صوحان در میدان پیکار جمل به شهادت نائل شد، علی (ع) بر بالای سر او نشسته و این گونه او را می‌ستاید:

رَحِمَكَ اللَّهُ يَا زَيْدُ، قَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمَوْزَنَةِ، عَظِيمَ الْمَعْوَنَةِ. (۱۷)

خداوند تو را رحمت کند ای زید! به راستی که کم‌خرج و پرکار بودی.

همان حضرت خناب بن ارت، صحابی بزرگ پیامبر را نیز به ساده‌زیستی ستوده است:

يَرْحَمُ اللَّهُ خَنَابَ بْنَ الْأَرْثِ، فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِبًا، وَ هَاجَرَ طَائِعًا، وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ وَ عَاشَ مُجَاهِدًا. (۱۸)



خداوند خُبَّاب بن اِرت را رحمت کند، او از روی میل اسلام آورد و از روی اطاعت خدا هجرت کرد و به زندگی ساده قناعت نمود و از خدا خشنود و در تمام دوران زندگی مجاهد بود.

جهت سوم اهمیت ساده‌زیستی آثاری است که در فرد و اجتماع و دنیا و آخرت انسان بر جای می‌گذارد؛ از آن جمله است آرامش روان و آسایش روح، عزتمندی و حفظ شخصیت، اصلاح نفس از رذایل، اعتدال در تحصیل مال، آسانی حساب در آخرت. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

الْقَنَاعَةُ رَاحَةٌ. (۱۹) قناعت، سبب راحتی و آسایش است.

همان حضرت به مردی که او را سفارش می‌کرد، فرمود:

به آنچه از روزی به تو می‌رسد اکتفا کن تا حساب بر تو آسان شود. (۲۰)

امام علی (ع) می‌فرماید:

أَعْوَنُ شَيْءٍ عَلَى صَلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةُ. (۲۱)

بهترین مددکار و یاور برای اصلاح نفس، قناعت است.

همان حضرت می‌فرماید:

ثَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الْإِجْمَالُ فِي الْمَكْتَسَبِ وَالْعَزُوفُ عَنِ الطَّلِبِ. (۲۲)

ثمره قناعت این است که انسان در کسب، اعتدال و میانه‌روی را رعایت می‌کند و هوای نفس خود را از طلب دنیا باز دارد.

از امام رضا (ع) درباره قناعت پرسیدند، حضرت فرمود:

الْقَنَاعَةُ تَجْتَمِعُ إِلَى صِيَاةِ النَّفْسِ وَ عَزِّ الْقَدْرِ وَ طَرْحِ مَوْنِ الْإِسْتِكْبَارِ... (۲۳)

قناعت، انسان را به سوی مصونیت نفس، خویشترداری، عزت نفس و ترک زحمت افزون طلبی فرامی‌خواند.

### ساده‌زیستی، شرط لازم روحانیت

بی‌رغبتی به دنیا و زخارف آن و برخورداری از زندگی ساده و معمولی از چند جهت شرط لازم روحانیت شمرده می‌شود و بدون آن روحانیت از ایفای رسالت خطیر خود باز

خواهند ماند.

نخست، از جهت اینکه روحانیت در جایگاه زعامت و رهبری فکری و معنوی جامعه قرار دارد و لازمه این رهبری، زهد و ساده‌زیستی است. پیامبران و امامان معصوم (ع) که در رأس سلسله جلیله روحانیت قرار دارند همه بی‌اعتنا به زفاف دنیا بودند و به گونه‌ای می‌زیستند که کسی نمی‌توانست از این جهت بر آنان خرده بگیرد.

امام علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدُرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ قَفْرَهُ. (۲۴)

خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَطْعَنَ عَلَيْهِ فِي قَمٍ وَلَا بَطْنٍ وَلَا فَرْجٍ، فَيَمَالُ: كَذَّابٌ وَ يَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ وَ مَا أَشْبَهَ هَذَا. (۲۵)

امام باید به گونه‌ای زندگی کند که کسی نتواند در دهان، شکم و قوه شهوانی [یعنی در گفتار، رفتار و کردار] او خرده بگیرد و بگوید: [فلانی] دروغ‌گوست، مال مردم خوار است و مانند اینها.

جهت دوم اینکه بنای کار طلبگی از اول، بر عسرت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی بود و سیره علمای سلف نیز بر همین جریان داشت. عالمان راستین در سایه زهد و بی‌رغبتی به دنیاست که توانستند باقی بمانند، اسلام را حفظ کنند و آثار و برکاتی بزرگ از خود بر جای بگذارند.

امام خمینی قدس سره می‌فرماید:

آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی - ساده زندگی کردند. اینهایی که در بین مردم موجه بودند که حرف آنها را می‌شنیدند، اینها ساده زندگی کردند... آنهایی که این کتابهای قطور را نوشتند و پرارزش را، زندگی‌شان یک

زندگی طلبگی بوده مثل شیخ انصاری و مثل امثال اینها. یک زندگی طلبگی بوده. آنها توانستند اسلام را در همه جهات حفظ کنند و فقه را به پیش ببرند و مسائل دینی را افزایش بدهند. (۲۶)

همچنین می فرماید:

من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. (۲۷)

جهت سوم این است که مردم روحانیت را مظهر اسلام می دانند و او را اسوه قرار می دهند. روحانیت در صورتی می تواند اسوه باشد که خود را به دنیاگرایی آلوده نسازد؛ چرا که به تعبیر امام راحل (ره): «هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند.» (۲۸)

مقام معظم رهبری خطاب به روحانیون می فرماید:

برادران!... نمی شود ما در زندگی مادی مثل یک حیوان بچریم و بغلتیم و بخوایم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلی شان از اولیات زندگی محرومند. در این راه، از خیلی چیزها باید گذشت، نه فقط از شهوات حرام، از شهوات حلال نیز باید گذشت. (۲۹)

### روش عملی ساده زیستی

بدون تردید بهترین راه کار ترویج دین و ارزشهای دینی و هدایت مردم به صراط مستقیم الهی، روش عملی است که روشی است بسیار کارآمد و تأثیرگذار. امام صادق (ع) می فرماید:

كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَزْعَ وَالْاِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْحَقِيرَ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ. (۳۰)

مردم را با غیر زبان به دین بخوانید تا در عمل، از شما پارسایی، تلاش و کوشش، نماز و نیکوکاری را ببینند؛ زیرا این کار، دعوت به دین است.

مقام معظم رهبری در توضیح این روایت می‌فرماید:

[يَغْيِرُ اَلْسِيْنَتِكُمْ] یعنی بِاَعْمَالِكُمْ. اگر ما به زخارف دنیا بی‌اعتنا بودیم، اگر ما در آن راههایی که به آن معتقدیم و داعی و مبلغ آن هستیم، قدم ثابت گذاشتیم، اگر ما پایبندی خودمان را به اصول دینی و اصول اسلامی و فرمایشات امام بزرگوار و آنچه که در نظام جمهوری اسلامی مقرر است، عملاً نشان دادیم، حرف ما در محیطی که پراکنده می‌شود، اثر خواهد کرد. آن وقت خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود، بلکه جاذبه عمل، دیگران را به هماهنگی و همگامی و هماوای وادار خواهد کرد. (۳۱)

هم ایشان می‌فرماید:

عمل، بیش از زبان کارایی دارد. بهترین گویندگان و شیرین زبان‌ترین معلمان و واعظان و بیان‌کنندگان، اگر عملشان بلندگد، همه این شیرین زبانها نقش بر آب خواهد شد. ما باید عملمان را درست کنیم. معیارها، همان بلندنظریها، طهارت، بی‌اعتنایی به مافی‌ایدی‌الناس و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و به پیش از آنچه که بر حسب قواعد اجتماعی به ما تعلق می‌گیرد، صلابت در بیان و اجرای حقایق و سست نشدن و نلرزیدن دست و پا است. (۳۲)

همچنین می‌فرماید:

مردم به عمل ما نگاه می‌کنند. روحانی، آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان بدهد به زخارف دنیا بی‌اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیا داران و دنیا مداران حاکم است، بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. (۳۳)

با توجه به اهمیت روش عملی و ارزش عمل در تبلیغ دین، برخی از راه‌کارهای عملی ساده‌زیستی را در محورهای زیر پی می‌گیریم.

#### ۱. تمرین دادن نفس

گام اول در ساده‌زیستی این است که انسان از خویشتن شروع کند و نفس خود را عملاً به بهره‌برداری و برداشت کم‌تر از خزانه دنیا عادت دهد، بکوشد خط خود را از لذایذ مادی کم کند؛ همان که امیر مؤمنان (ع) درباره خود می‌فرماید:

وَإِنَّمَا هِيَ تَنْفِي أَرْضُهَا بِالتَّقْوَى... لَا تَرْضَى نَفْسِي رِيَاضَةً تَهَيُّشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَزْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا، وَتَنْقَعُ بِالْمَلْحِ مَادُومًا... أَتَقْتَلِي السَّائِقَةَ مِنْ رَغِيهَا فَتَبْرِكُ؟ وَتَشْبِيحُ الرِّيْبِضَةَ مِنْ عُنْشِبِهَا فَتَرِيْبُضُ؟ وَ يَأْكُلُ عَلَيَّ مِنْ زَادِهِ فَتَهْجَعُ قُرْتُ إِذَا عَيْتُهُ إِذَا أَقْتَدَى بِغَدِّ السَّنِينِ الْمُطَاوِلَةِ بِالتَّهْيِيمَةِ الْهَامِلَةِ، وَالسَّائِقَةَ الْمَرْعِيَّةَ (٣٤)

همانا من نفس خود را با پرهیزکاری می پرورانم... چنان نفس خود را به ریاضت وادارم که به یک قرص نان، هر گاه بیابم شاد بشود و به نمک به جای نان خورش قناعت کند... آیا سزاوار است که چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند و گله گوسفندان پس از چرا کردن به آغل رو کنند و علی نیز [همانند آنان] از زاد و توشه خود بخورد و استراحت کند؟ چشمش روشن باد! که پس از سالیان دراز، چهارپایان رها شده و گله‌های گوسفندان را الگو قرار دهد!!

## ۲. پرهیز از اشرافی‌گری

جهت‌گیری زندگی روحانی باید به سمت زهد باشد. تلاش برای فراهم کردن یک زندگی اعیانی و اشرافی، دنبال دنیا دوییدن، خواستن و به دنبال جلوه‌های زندگی مرفه و راحت و متجملانه بودن، آنچنان که اهل دنیا، لحظه به لحظه عمرشان در دنبال آنها هستند، دون شأن اهل علم و روحانی است. (٣٥)

کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی در درون خانواده، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه‌ها، جهیزیه‌ها، آمد و شدها و آداب معاشرت با مردم همه باید بر اصل سادگی بنا شود و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا به دور باشد.

امام خمینی قدس سره درباره سادگی زیستی و زهدگرایی روحانیت می فرماید:

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت

در مسیر دنیا نیست. (۳۶)

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

برادران! امیرالمؤمنین می‌گوید: زندگی به سمت زهد باید برود. امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی‌گری می‌رود بلاشک این انحراف است. برو برگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت کنیم. نمی‌گوییم هم زهدهای آنچنانی که متعلق به اولیاءالله است، نه، مسئولان درجه یک، مسئولان درجه دو، تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند. (۳۷)

### ۳. حدّ و اندازه نگه داشتن

راه کار دیگر در ساده‌زیستی این است که انسان هم در خرج کردن و هم در مصرف کردن حدّ و اندازه نگه دارد، زیاده‌روی نکند و نعمتهای الهی را ضایع ننماید.

اسلام در هزینه‌ها و مصارف زندگی به حدّ و مرز قائل است و همگان را به آن فرامی‌خواند. افراط و تفریط و ملاحظه‌شأن و موقعیت اجتماعی را نکردن، تجاوز از حدّی است که اسلام مقرر فرموده است و هزینه و مصرفی که از حدّ ضرورت و نیاز و شأن تجاوز کند به اسراف می‌گراید که گناه کبیره و حرام است.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

بسیاری به خودشان حق می‌دهند که نعمتهای الهی را بی حساب و کتاب مصرف کنند، بی اندازه مصرف کنند، هیچ ملاحظه‌ای نکنند، هیچ حدّی نگه ندارند و حتی نعمتهای الهی را ضایع کنند؛ چقدر نان ضایع می‌شود، چقدر غذای طبخ شده ضایع می‌شود، چقدر میوه مصرف نشده ضایع می‌شود و از خانه‌ها بیرون ریخته می‌شود. چقدر لباس زیادتر از اندازه لازم - چند برابر اندازه لازم - خریداری می‌شود و در خانه‌ها و صندوقها می‌ماند، برای اینکه یک بار در مراسمی پوشیده شود، اینها اسراف است... تصمیم بگیرید این کار را نکنید. (۳۸)

زندگی خانوادگی، هزینه‌ها و مصارف زندگی روحانی از لحاظ حدّ و اندازه نگه‌داری باید برای همگان الگو باشد.

برخی از مصادیق بارز اسراف و تبذیر عبارت است از: زیاده روی در خوراکیها از قبیل نان، غذا و میوه جات؛ زیاد روی در پوشاک، زینت و آرایش؛ زیاده روی در تفریحات و مسافرت‌های غیر ضروری؛ خریدن اتومبیل‌های گران قیمت و زاید بر شأن؛ ساختن خانه‌های اشرافی و زیاده روی در مصالح ساختمانی؛ خریدن انواع و اقسام کالاهای تشریفاتی و تجملاتی؛ مهمانی‌های پر سر و صدا و پرهزینه و توأم با اسراف؛ قرار دادن مهریه‌های سنگین برای دختران و نیز جهیزیه‌های هنگفت و مانند اینها.

روحانی در همه موارد یاد شده باید حدّ و اندازه را نگه دارد و مرتکب زیاده روی و اسراف نشود؛ خانه او در حدّ کفاف و نیاز و شأن او باشد؛ اتومبیل او نیز از این معیار تبعیت کند؛ در خوراک و پوشاک و دیگر امور زندگی از حدّ متوسط و معمولی تجاوز ننماید، تا دیگران زندگی او را الگوی سادگی خود قرار دهند.

#### ۴. توجیه و کنترل خانواده

خانواده روحانی جدای از خود او نیستند. همان گونه که شخص روحانی، خود باید بی اعتنا زخارف دنیا باشد، اعضای خانواده اش نیز باید در کمال سادگی و بی پیرایگی و هماهنگی و هم آوا با او باشند. از این رو، شایسته آن است که اعضای خانواده را آموزش دهد و توصیه‌های لازم را به آنها بنماید.

مقام معظم رهبری خطاب به خانواده‌ها می‌فرماید:

کسانی که همسرانشان یا خودشان مسئولیتهایی در بخشهای مختلف کشور دارند باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان بدهند که شأن زن مسلمان بالاتر از این حرفهاست که اسیر زر و زیور و طلاآلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم اینها حرام است، می‌خواهیم بگوییم شأن زن مسلمان بالاتر از این است. (۳۹)

نقل شده که در زمان مرجعیت و زعامت مرحوم وحید بهبهانی فرزند ایشان آقا عبدالحسین برای همسرش لباسی فاخر و گران قیمت خریده بود. این مرد بزرگ وقتی عروسی را با آن لباس دید به پسرش اعتراض کرد که چرا برای همسرت چنین لباسی خریدی؟ پسر جواب داد، قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (۴۰) آقا

فرمود پسر ما! نمی‌گویم که اینها حرام است؛ البته حلال است، لیکن موقعیت اجتماعی اشخاص فرق می‌کند. اینک در همسایگی ما فقرا ی بسیاری هستند که زندگی ما را ملاک قرار داده و به همین که زندگیشان با ما یکسان است خوشحال و خرسندند و هنگامی که زندگی ما را ببینند تسلی خاطر پیدا می‌کنند. (۴۱)

## ۵. اخلاق و رفتار ساده

راه کار دیگر در ساده‌زیستی این است که روحانی بنا بگذارد تمام اخلاق و رفتار و آداب معاشرت خود را با مردم بر سادگی و بی‌پیرایگی بنا کند. از اخلاق و رفتار تصنعی و ساختگی پرهیزد. تکبر، خودخواهی، خودرایی و ظاهر سازی را از خود دور کند. به آسانی با مردم ارتباط برقرار سازد. با آنان گرم بگیرد. با صبر و حوصله با آنان رفتار کند. بدون تکلف با همگان به ویژه فقرا معاشرت نماید و طوری با آنان انس بگیرد که گویی یکی از آنهاست. از همه ساده‌تر و از هر کدام مهربان‌تر نسبت به دیگران باشد. این همان رفتاری است که مردم از روحانی انتظار دارند.

## پیامدهای عدول از ساده‌زیستی

عدول از اصل سادگی در زندگی آثاری نامطلوب برای روحانیت، نظام جمهوری اسلامی و اسلام را در پی خواهد داشت. برخی از آنها عبارت است از:

### ۱. خسارت معنوی

همانگونه که ساده‌زیستی یک ارزش است و پر ارزش و اقتدار معنوی انسان می‌افزاید فاصله گرفتن از آن نیز از ارزش معنوی انسان می‌کاهد و انسان را در اسارت مادیات و لذایذ زودگذر زندگی قرار می‌دهد.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

در حکومت اسلامی هر چقدر کارگزاران و مسئولین به سراغ آن بروند که خانه‌شان بهتر باشد، از معنویتشان به همان مقدار کاسته می‌شود؛ زیرا ارزش انسان به خانه، باغ و اتومبیل نیست. اگر ارزش انسان به این مسائل بود انبیاء و اولیا باید این کار را می‌کردند. (۴۲)



## ۲. سلب اعتماد مردم

گرایش روحانیت به رفاه و آسایش و زندگی اشرافی به ایمان مردم نسبت به آنها آسیب می‌رساند و اعتماد آنان را سلب می‌نماید.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

اگر امروز خدای ناخواسته در همان رفتار شخصی خودمان چیزی مشاهده بشود که با آنچه مردم درباره ما گمان می‌برند، منافات داشته باشد به ایمان مردم ضربه خواهد خورد... ما واقعاً موظفیم که بیش از همیشه، جهات الهی و شرعی و آن چیزهایی را که دستگاه روحانیت با آنها شناخته شده است، مثل آزادمنشی، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، بی‌اعتنایی به مال و منال و اقتدار مادی، ارتباط و اتصال به خدا، ورع و پرهیز از محارم و توجه به علم - که مردم روحانیت را به علم شناخته‌اند - رعایت کنیم. اینها آن وظایف... شخصی ماست، بایستی به اینها بپردازیم و به آن اهمیت بدهیم. (۴۳)

شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اطمینان داشته باشند. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم... و هر چه توانستیم خرج کردیم مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ (۴۴)

## ۳. تأثیر سوء فرهنگی

همان گونه که ساده‌زیستی روحانیت و خواص جامعه ارزش‌آفرین و فرهنگ‌ساز است گرایش به زندگی تشریفاتی ضایقه افراد را دگرگون می‌سازد و از نظر فرهنگی آثاری نامطلوب از خود به جا می‌گذارد.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

آن کسانی که به اشرافی‌گری گرایش دارند و دلشان برای اشرافی‌گری لک می‌زند - یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از زندگی متوسط مردم - یکی از کارهایی که می‌کنند این است که: این دید و ذهنیت را در مردم به وجود بیاورند که این چیز خوبی است و ارزش است. کما اینکه قبل از

انقلاب اینطوری بود. قبل از انقلاب، مسئولان حکومت، هر چه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباسهای فاخر ظاهر می شدند، یک عده از عوام بیشتر خوششان می آمد، فرهنگ عمومی را این گونه شکل داده بودند<sup>(۴۵)</sup> و وقتی شما جلوی چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آنچنانی می کنید، این یک درس عملی است و هر کس این را می بیند، بر او اثر می گذارد.<sup>(۴۶)</sup>

هم ایشان، کارگزاران و مسئولان نظام را از روش مسرفانه و تجمل آمیز نهی کرده، می فرماید:

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند و بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز را به یک فرهنگ تبدیل کند... فرض بفرمایید اگر از لحاظ کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی در درون خانواده، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه ها، جهیزیه ها و از این قبیل چیزها، وقتی به وسیله یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی به شکل غیراسلامی آن - به معنای مسرفانه - انجام بگیرد، این می شود فرهنگ، بقیه نگاه می کنند و یاد می گیرند، مهریه ها بالا می رود، ازدواجها مشکل می شود، زندگی سخت می شود و همین رفتار بتدریج آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند در متن جامعه منعکس می شود.<sup>(۴۷)</sup>

#### ۴. ضررهای اجتماعی

همان گونه که ساده زیستی، باعث همدلی و همدردی و ایجاد انس و الفت در میان افراد اجتماع است و منشأ آثار و برکات فراوانی در جامعه می شود، گرایش به زندگی تجملی روحیه برادری و انس و الفت را خدشه دار می سازد. وقتی زندگی مسرفانه و تجملاتی میدانی برای مسابقه دادن افراد با یکدیگر می گردد و هر کس خواهان پیشی گرفتن بر دیگری است مجالسی برای همدلی و برادری باقی نمی ماند. علاوه اینکه با چنین وضعی عدالت اجتماعی نیز در جامعه تأمین نخواهد شد.<sup>(۴۸)</sup>

## ۵. ضربه به اسلام و جمهوری اسلامی

عدول روحانیت و مسئولان نظام از ساده‌زیستی منجر به شکست اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد شد، امام راحل (ره) در این باره می‌فرماید:

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسأله‌ای است که به همه روحانیت و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند؛ زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند؛ کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. (۴۹)

## نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار گفته آمد می‌توان نتیجه گرفت:

۱. ساده‌زیستی به معنای راحت و آسان زندگی کردن، کم خرج بودن، بدون تجملات بودن، بی‌تکلفی، بی‌پیرایگی و مانند آن است.
۲. ساده‌زیستی گستره‌ای بسیار وسیع دارد و همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد.
۳. ساده‌زیستی از چند جهت حایز اهمیت است: اول اینکه انبیا، اولیا و خوبان هم ساده و بی‌پیرایه می‌زیستند. دوم اینکه در سیره معصومین (ع) به عنوان یک معیار ارزشی مطرح شده است و سوم به جهت آثاری که در فرد و اجتماع و دنیا و آخرت انسان دارد.
۴. ساده‌زیستی شرط لازم روحانیت است؛ زیرا اولاً روحانیت در جایگاه رهبری فکری جامعه قرار دارد و لازمه این رهبری، ساده‌زیستی است. ثانیاً بنای کار طلبگی بر سادگی و دوری از تجملات بوده است و سیره علمای سلف بر همین جریان داشته است و ثالثاً اسوه

بودن روحانیت ایجاب می‌کند که از اصل سادگی پاسداری کند.

۵. بهترین و کارآمدترین روش هدایت مردم، روش عملی است.

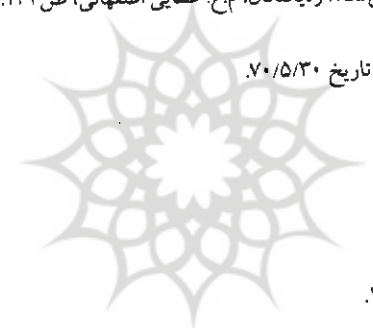
۶. بر اساس روش عملی، تمرین دادن نفس، پرهیز از اشرافی‌گری، حد و اندازه نگه داشتن، توجیه و کنترل خانواده و اخلاق و رفتار ساده از راه کارهای ساده‌زیستی است.

۷. خسارت معنوی، سلب اعتماد مردم، آثار سوء فرهنگی، ضررهای اجتماعی و شکست اسلام و نظام جمهوری اسلامی از جمله پیامدهای عدول روحانیت و مسئولان نظام اسلامی از اصل سادگی در زندگی است.

### پی‌نوشتها

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۹۴.
۲. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۳۲۴، به نقل از سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۳۷.
۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴، آل‌البیت.
۴. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۲.
۵. نهج البلاغه، فیض‌الاسلام، حکمت ۱۰۱.
۶. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۹۴.
۷. الکافی، ج ۶، ص ۲۷۶.
۸. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.
۹. همان، حکمت ۳۶.
۱۰. همان، خطبه ۱۵۹.
۱۱. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۷۳.
۱۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴.
۱۳. مصرع بعد، این است: «با پادشه بگویی که روزی مقزّر است».
۱۴. مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۱۴، ص ۵۳۶.
۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.
۱۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴.
۱۷. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۱۱.
۱۸. نهج البلاغه، حکمت ۴۱.
۱۹. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۸۵.
۲۰. همان، ص ۱۸۹.
۲۱. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۳۶.
۲۲. همان، ج ۳، ص ۳۳۰.
۲۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۹.
۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.
۲۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲۶. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۲۷. همان، ج ۲۰، ص ۲۴۴.
۲۸. همان.
۲۹. از سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۷۰/۵/۲۳.
۳۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸.
۳۱. از سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۷۰/۱۱/۲.
۳۲. همان.
۳۳. همان، ۶۹/۱۲/۲۲.
۳۴. نهج البلاغه، نامه ۴۵.
۳۵. ر.ک. سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۶۹/۱۲/۲۲.
۳۶. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۰.
۳۷. از سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۷۰/۱/۲۶.
۳۸. همان، ۷۲/۱/۴.
۳۹. همان، ۷۱/۹/۲۵.
۴۰. سوره اعراف (۷)، آیه ۳۲.
۴۱. ر.ک. سیمای فرزندگان، ج ۳، ص ۴۵۵؛ ره یافتگان، م.ع. عطایی اصفهانی، ص ۲۳۴.
۴۲. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۸.
۴۳. از سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۷۰/۵/۳۰.
۴۴. همان، ۷۰/۵/۲۳.
۴۵. همان، ۷۸/۹/۱.
۴۶. همان، ۷۸/۱۰/۴.
۴۷. همان، ۷۹/۹/۲۵.
۴۸. ر.ک. همان، ۷۸/۱۰/۴.
۴۹. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۸۸-۱۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی